

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختری
همبورگ - جرمنی

"گوهر حقیقت"

دوبیتیها، رباعیات و غیره

(بخش هشتم)

بهای لویه جرگه

شنیدم تا صدای لویه جرگه
شدم محو ندای لویه جرگه
زبس بازار این آمال گرم است
جهان داند بهای لویه جرگه

بلبل مست و غزلخوان

ای وطن فصل بهارانت چه شد
باغ و راغ و دشت و دامانت چه شد
نغمه زاع و زغن آید بگوش
بلبل مست و غزلخوانت چه شد

افتخار آدمی

نیکنامی در حقیقت زندگیست
ور نباشد، زندگی شر مندگیست
ظالم از روی خجالت مُرده است
یک جهان بار ملامت بُرده است
عادل از فخر عدالت زنده است
تا قیامت زنده و پاینده است
افتخار آدمی باشد مُدام
خلق نیکو و مروت والسلام

آزادی و غلامی

کسی کو در جهان آزاد باشد
همیشه سرفراز و شاد باشد
کسی کو اندرین دنیا غلام است
سیهروی و سر افکنده مُدام است

غلامی و شرمندگی

اگر فرضاً جهان پاینده باشد نمیرد آدمی و زنده باشد
نمی‌ارزد به یک جو زندگانی که بنده نزد بنده، بنده باشد

شوق امارت

الهی گم شود قید و اسارت نباشد زندگی اندر حقارت
وطن در حالت زار است و طالب به فکر قدرت و شوق امارت

بهار و غم شکم

بهار آمد و اندر وطن بهار غم است نه آب است و نه نان و نه پول و نی درم است
نه فکر ساز و سرود است نی هوای چمن غم حیات و ممات است غم، غم شکم است

قضاوت تاریخ

تحریر می نماید نیک و بد زمانه اطوار آدمی را با نام و با نشانه
نیکان به نیک یاد شوند و بدان به بد باشد همین قضاوت تاریخ جاودانه

از طالب افغان تا طالب بیگانه

نام پاکش طالب است اما شرارت می کند از شمالی تا جنوبی قتل و غارت می کند
طالب افغان اگر باشد چرا در مملکت یک قلم ویرانی و تولید وحشت می کند